

بررسی چرایی کاربرد خط یونانی و واژه دوستدار یونان بر سکه‌های اشکانی

دکتر طاهره عزیزی‌پور

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

tazizipoor@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۵)

چکیده

یکی از نکات مبهم تاریخ اشکانی نوشته‌های یونانی روی سکه‌های شاهان این سلسله است. سکه جزو مهمترین آثار باقی‌مانده از اشکانیان در طول بیش از چهار قرن حکمرانی شاهان این سلسله است. اشکانیان از ابتدای حکومت خود تا زمان بلاش اول از خط و نوشته‌های یونانی روی سکه‌های خود استفاده کردند. محققان به درستی نمی‌دانند که چرا اشکانیان این سیاست را در نظام مالی خود در پیش گرفته بودند. شاید بتوان گفت که سکه‌های اشکانی با نوشته یونانی برای مبادلات مالی خارجی استفاده می‌شده و در تجارت و اقتصاد داخلی نقشی نداشته است. علاوه بر استفاده از خط یونانی اشکانیان از زمان مهرداد اول تا اردوان سوم از واژه دوستدار یونان بر سکه‌های خود استفاده کردند. در این مقاله سعی داریم به بیان این نکته بپردازیم که استفاده از خط یونانی و واژه دوستدار یونان روی سکه‌های اشکانی بیش از آنکه نشان دهنده تاثیر فرهنگ‌های غیر ایرانی مانند سلوکی و باختری باشد، نشان دهنده مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و اقتصادی اشکانیان است.

واژگان کلیدی: اشکانیان، ایران، خط، سکه، یونانیان.

مقدمه

قلمرویی که اشکانیان در آنجا به قدرت رسیده بودند؛ یکی از استان‌های دولت سلوکی به نام پارت و هیرکانیا بود. اشکانیان حکومت خود را در سال ۲۴۷ ق.م (دبواز، ۱۳۴۲، ص ۵) ق.م در میان مرزهای قلمرو سلوکی و حکومت یونانیان باختر بنا نهادند؛ اما با این حال از یاد نبریم که آنان در ابتدا تنها بر ایالت پارت تسلط یافتند و آنگاه به مرور ایام به افزایش قدرت و گسترش قلمرو خود پرداختند. پارت و هیرکانیا از اواسط قرن سوم قبل از میلاد تا سال ۱۲۹ قبل از میلادی یعنی زمان پیروزی فرهاد دوم بر آنتیوخوس-هفتم-مرزهای شرقی سلوکیان را تشکیل می‌داده- است. بنابراین اشکانیان در قلمرویی زندگی و مبارزه می‌کردند که ساکنان شهرهای آن با خط و زبان و فرهنگ یونانی آشنا بوده‌اند. اشکانیان بعد از آنکه حکومت خود را در درون مرزهای قلمرو سلوکیان و باختریان بنا نهادند، اما حکومت آنان تا پیش از آنکه آنتیوخوس سوم در مگنسیا از رومیان شکست بخورد، پایه‌های لرزانی داشت. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که اشکانیان در ابتدای حکومت خود برای حفظ قدرت خویش مجبور باشند که از نظر سیاسی با سلوکیان و باختریان با مدارا رفتار کنند. این مدارا علاوه بر آنکه از دل مشغولی‌های سیاسی اشکانیان می‌کاست به آنان امکان می‌داد تا با نواحی شرق و غرب قلمرو خود ارتباط اقتصادی داشته باشند.

بعد از فتوحات اسکندر در نقاطی که او فتح کرده بود، فرهنگی به وجود آمد که آن را به نام فرهنگ هلنی می‌شناسیم (دیاکونوف، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱). در دوره اشکانی زبان یونانی در ایران و بسیاری از

کشورهای شرقی زبان مشترک بود؛ اما تنها زبان رسمی نبود. اشکانیان در امور داخلی کشور خود از زبان پارتی و خط آرامی استفاده می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳). از ابتدای تاسیس حکومت اشکانی تا قرن اول م (همزمان با حکومت بلاش اول) بر سکه‌های اشکانی از خط یونانی استفاده شده است (یارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۳۹۱). علاوه بر خط یونانی سکه‌های پارتی رنگ و بوی ظاهرا یونانی دیگری نیز دارند و آن استفاده از واژه دوستدار یونان بر سکه‌ها است. این واژه از زمان مهرداد اول بر چهاردرهمی‌های اشکانی ظاهر می‌شود و استفاده از آن تا زمان اردوان دوم^۱ (یارشاطر، ۱۳۸۴-ص ۳۹۸) ادامه می‌یابد. یونانیان باختر از ابتدای تاسیس حکومت اشکانی نیز تا سال ۵۰ ق.م (خادمی-ندوشن، عزیزی پور، ۱۳۹۱، ص ۴۷) که آخرین پادشاه حکومت یونانی باختر بر جهلم حکومت کرد، همسایه شرقی اشکانیان بودند. ژوستین معتقد است جنگ‌های مختلفی که یونانیان باختر خود را درگیر آن کرده بودند از قدرت آنان کاست و سرانجام آنان در مقابل حمله سکاها تاب نیاوردند و به اشکانیان پناه بردند، تا از این طریق بتوانند در فعالیت‌های اقتصادی بین شرق و غرب شرکت داشته باشند. به نظر می‌رسد با فتح ماد توسط مهرداد اول فرهنگ و سیاست یونانی- که تا قبل از این واقعه فرهنگ و سیاست غالب بود- مغلوب شده باشد. بعد از مرگ آنتی خوس هفتم با انحطاط کامل سلوکیان از نظر سیاسی همزیستی مسالمت آمیزی از نظر فرهنگی بین اشکانیان و سلوکیان به وجود آمده بود. در واقع در

^۱ - برخی مورخان این اردوان را اردوان سوم گفته‌اند.

اشکانی در ضرب سکه از نمونه‌های سلوکی تقلید می‌کردند و سکه نبشته‌ها تا قرن اول میلادی به زبان یونانی بوده‌است یارشاطر (۱۳۸۴، ص ۱۰۳) با تکیه بر گنجینه یافت شده در دره اترک در غرب بجنورد که در آن سکه‌های اشکانی به همراه سکه‌های دایودوت یافت شده نظر دیاکونوف را درباره خط و زبان اشکانی تایید می‌کند. سایکس نیز در کتاب خود (-۱۳۸۰، ص ۴۹۳) نظر مشابهی را ذکر می‌کند. به عقیده او شهرهای یونانی‌نشینی که در قلمرو دولت اشکانی بوده‌اند، حکومتی نیمه مستقل داشته‌اند؛ بنابراین کاربرد عناوینی همچون فیل‌هلن که بر سکه‌های اشکانی به‌کار رفته، جهت جذب قلوب ساکنین این شهرها و جلوگیری از شورش‌های احتمالی آنها بوده است گیرشمن (۱۳۷۰، ص ۳۱۵) و خدادادیان (۱۳۸۰، ص ۲۷۷) نیز استفاده از نوشتار و فرهنگ یونانی به وسیله اشکانیان را بیشتر اقدامی سیاسی از طرف این دولت می‌دانند که وضعیت ایران در آن روزگار بر آنان تحمیل کرده بود. از طرفی در آن زمان مبادلات تجاری از یونان تا بلخ به زبان یونانی انجام می‌گرفت. براساس نوشته‌های مالکوم کالج (-۱۳۸۳، ص ۶۱) سکه‌های نخستین پارتی به شیوه یونانی ضرب شده‌است. شپیمان (۱۳۹۰، ص ۷۲) استفاده از لقب دوستدار یونان که از زمان مهرداد اول بر سکه‌های اشکانی به‌کار رفته‌است را دلیلی بر این موضوع می‌داند که شاهان اشکانی برآن بوده‌اند که ساکنان یونانی قلمرو پارت و مناطق مجاور آن را با خود همراه سازند. فرای (۱۳۷۷، ص ۲۸۹) بر این عقیده است که آغاز گسترش فرمانروایی پارتیان همراه با ادعای آنان مبنی بر دوستداری یونان است و

پی ضعف سلوکیان رومیان به تارومار کردن آنها پرداختند. در این شرایط سلوکیان که پناهگاهی جز حکومت اشکانی نداشتند، به خدمت در این حکومت پرداختند. اکنون یونانیانی که در مرزهای شرقی حکومت اشکانی مستقر بودند و نیز سلوکیان قدرت سیاسی خود را از دست داده و به خدمت اشکانیان مشغول شدند. اکنون سوال اینجاست که چرا در چنین شرایطی اشکانیان همچنان بر سکه‌های خود از خط یونانی استفاده می‌کنند؟ بعلاوه چرا همزمان با قدرت گرفتن مهرداد اول- که آغاز اوج‌گیری قدرت سیاسی اشکانیان است- برای نخستین بار بر چهار-درهمی‌های اشکانی واژه فیل‌هلن به معنی دوستدار یونان آشکار می‌شود.

پیشینه تحقیق

منابع یونانی همچون نوشته‌های ژوستین (1876: 272-283) اطلاعاتی را درباره خط و نوشتار مرسوم در بین اشکانیان در اختیار ما قرار می‌دهند. براساس نوشته‌های مورخ مزبور به نظر می‌رسد هم زبان و خط محلی و هم زبان و خط یونانی در بین اشکانیان مورد استفاده بوده است. جورجینا هرمان (۱۳۷۳، ص ۳۰) معتقد است که شاهان اشکانی اگرچه خود را دوستدار یونان می‌دانستند؛ اما بی‌تردید الهه‌های ایرانی را پرستش می‌کردند. استفاده از نام-های ایرانی در بین شاهان اشکانی- همچون مهرداد و اردوان- به خوبی پرستش الهه‌های ایرانی توسط این شاهان را نشان می‌دهد. هرمان پا را از این فراتر نهاده و معتقد است که اشکانیان زردشتی بوده‌اند. دیاکونوف (۱۳۴۴، ص ۷۵) معتقد است که شاهان

پایان آن دوران واکنش فرهنگ ایرانی در برابر فرهنگ یونانی است. در ارتباط با استفاده از واژه دوستدار یونان محققان دیگری نیز به استفاده از این واژه بر سکه‌های اشکانی اشاره کرده‌اند. آنان دلایل سیاسی را اصلی‌ترین عامل استفاده از این واژه بر سکه‌های اشکانی می‌دانند (قدیانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴؛ Gardner, 1877:38) با این حال هیچ کدام از محققینی که به پژوهش درباره تاریخ اشکانی پرداخته‌اند به‌طور روشن اشاره نکرده‌اند که علت استفاده از نوشتار یونانی و واژه دوستدار یونان بر سکه‌های اشکانی چه بوده است. در واقع جامعه تحت سلطه اشکانیان جامعه‌ای بود که اگرچه حکومت حکمرانان ایرانی را بر خود پذیرفته بود؛ اما با این حال بخشی از ساکنان این جامعه مختلط با خط ایرانی آشنایی نداشتند و بنابراین لازم بود که برای آنان سکه‌هایی به خط یونانی ضرب شود.

تاریخ سیاسی اشکانیان

ارشک اولین شاه اشکانی است که به ضرب سکه پرداخته است. بر اساس نوشته آراین، ارشک اول از خانواده اشکانیان و فرزند فری‌پاتر بوده و برادر او تیرداد است. در آغاز نیمه دوم قرن سوم ق.م دایودت ساتراپ باکتریا علیه سلوکیان شورش کرد و خود را شاه خواند. این اقدام دایودت دو برادر پارتی ارشک و تیرداد^۳ را تحریک کرد تا آنان نیز علیه آندراگوراس یونانی (تصویر ۱) که از جانب آنتیوخوس دوم بر ایالت پارت حکومت می‌کرد، قیام کنند.

جغرافیای سیاسی

به گفته استرابو (۱۳۸۲، ص ۳۶) کشور پارت (جایگاه اشکانیان) بزرگ نبوده و در روزگار پارسیان همراه پارتیان باج می‌پرداخته است. داریوش در کتیبه بیستون از سرزمین پارت به نام پرثوه یاد می‌کند. او در این کتیبه نام پارت و هیرکانیه^۲ را در کنار هم می‌آورد. بر اساس کتیبه بیستون و یشتاسپه پدر داریوش شهربان هر دو ولایت مزبور بوده است. به ادغام هیرکانیه و پارت در اواخر دوره سلوکی نیز اشاره‌هایی شده است. با گذشت زمان و با گسترش قلمرو

^۳ - پاره ای از مورخین اشک را و برخی دیگر تیرداد را شخصیتی افسانه‌ای و معمول می‌دانند؛ اما گوتشمیدت، ترجمه جهاننداری (۱۳۷۹: ۲۵) با استناد به سکه‌هایی که از تیرداد بر جای مانده و او در پشت آنها برادرش ارشک را همچون خدایی نماینده که کماتی در دست دارد، اشک و تیرداد، هر دو را شخصیت‌هایی واقعی می‌داند.

^۲ - آریستوبولوس و استرابو جایگاه نسا، اولین پایتخت اشکانی را در هیرکانیه می‌دانند (صنعتی زاده، ۱۳۸۲، ص ۳۸).

اشکانی-است (Selwood, 1980: 28). بعضی از مورخین نام او را اردوان ذکر کرده‌اند (Assar, 2000: 7). اردوان در پی جنگی که بین آنتیوخوس سوم و پسر عمویش رخ داده بود به سمت مغرب پیشروی کرد و همدان و ایالت ماد را تسخیر نمود؛ اما آنتیوخوس که توانسته بود پسر عموی خود را شکست دهد برای جنگ با اردوان به سمت همدان لشکر کشید. در آنجا در سال ۲۰۹ ق.م معبد آناهیتا را به آتش کشید، آنتی‌اخوس پس از فتح همدان به طرف هکاتوم پولیس حرکت کرد و تقریباً بدون هیچ گونه درگیری خاصی آنجا را فتح نمود. ارتش آنتی‌اخوس سپس به تاگایی در نزدیکی دامغان تاخت و ارشک دوم را در کنار کوه لایوس شکست داد و وادار به عقب نشینی به هیرکانیا نمود. ارتش سلوکی در پی پیشروی‌های خود، تمبرکس و سیرکس را محاصره و سپس تسخیر نمود (یارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴). ارشک دوم بعد از تحمل این شکست‌ها مجبور شد که قرارداد صلحی با آنتیوخوس منعقد نماید. پس از اردوان، پریپاتیوس در سال ۱۹۱ ق.م بر تخت سلطنت اشکانیان نشست. بر- اساس نوشته‌های فرای (۱۳۷۷، ص ۱۷۰) پارت و باختر- که برای بار دوم به تصرف سلوکیان درآمده بودند- تا زمان شکست آنتی‌اخوس از رومیان در مگنسیا در سال ۱۸۹ ق.م در اختیار سلوکیان بود؛ اما شکست آنتی‌اخوس از رومیان فرصتی به دست اشکانیان داد تا دوباره این نواحی را فتح کنند و اینگونه بود که غروب تاثیر فرهنگ یونانی در ایران

ارشک اول بعد از آندراگورس- در سال ۲۴۷ قبل از میلاد در آساک تاجگذاری کرد. پس از آنکه ارشک اعلام استقلال نمود، آنتی‌اخوس سوم-پادشاه سلوکی-به مقابله با او پرداخت تا قلمرو سلوکیان را از او باز پس ستاند. همزمان با این اقدام آنتی‌اخوس درگیر جنگی با رومیان شد و از آنان شکست خورد. اشکانیان از اوضاع پیش آمده به نفع خود استفاده کردند و قدرت خود را در پارت، هیرکانیا، هرات و احتمالاً نسا استحکام بخشیدند (یارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲). پس از مرگ دایودودت اول، پادشاه باختری، ارشک با فرزند او دایودودت دوم قرارداد صلحی منعقد نمود. در این اثنا سلوکوس دوم کالینوکوس (۲۴۷ تا ۲۲۶ قبل از میلاد) به جمع‌آوری لشکری در بابل پرداخت تا به همراه آن لشکر به بخش شرقی قلمرو خویش- که اشکانیان آن را تصاحب کرده بودند- حمله کند. در پی حمله سلوکوس ارشک عقب نشینی کرد و به سکاها پناه برد. اما بد اقبالی اشکانیان دیری نپایید، در حدود سال ۲۲۷ ق.م، سوریه درگیر مشکلاتی شد و بنابراین توجه سلوکوس به جای شرق به سوریه معطوف شد. پس از سلوکوس دوم، پسر بزرگ او بر تخت سلطنت سلوکیان نشست. او در زمان حکومتش درگیر شورش برادرش ملون و اسکندر گردید. در این شرایط ارشک از موقعیت استفاده کرد و به جمع‌آوری سپاه و تحکیم موقعیت خویش پرداخت. او قلعه‌ای به نام آپاورتون بنا نهاد. این قلعه موقعیتی تسخیر ناپذیر داشته است (Justin, 1876: 41, 1). سومین پادشاه اشکانی فرزند ارشک اول (۲۱۱ الی ۱۹۱ قبل از میلاد) و برادر زاده تیرداد- دومین پادشاه

۴- سلوود از اردوان نام نمی برد. در جدول پادشاهان اشکانی که او ارائه می دهد پریپاتیوس سومین پادشاه است.

آغاز شد. شکست آنتی‌اخوس از رومیان تبعات دیگری هم داشت. پس از این شکست سلوکیان تقریباً استقلال خود را از دست دادند و رومیان شروع به دخالت در امور سلوکیه کردند. دیگر عزل و نصب شاهان سلوکی با نظارت رومیان انجام می‌شد. در حالیکه قلمرو اشکانی به مرور توسعه می‌یافت، جنگ‌های داخلی حکومت سلوکیان را از درون پوسیده کرد. آنتی‌اخوس دهم به دربار اشکانیان پناه برد و بالاخره پمپی، قیصر روم، در سال ۶۴ ق.م به حکومت سلوکیان در سوریه خاتمه بخشید (خادمی ندوشن، طاهره عزیزی پور، ۱۳۹۱، ص ۳۵). با به قدرت رسیدن مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ ق.م) ساختار سیاسی و اقتصادی حکومت اشکانیان شکل منسجمی به خود گرفت. مهرداد موفق شد در سال ۱۴۷/۱۴۸- ق.م ماد را نیز تصرف کند. در آن زمان تعداد زیادی از یونانیان در ساتراپ ماد ساکن بودند (Assar, 2000: 9). فتح ماد گذرگاهی برای فتوحات بیشتر اشکانی شد. آنها در ابتدا سلوکیه و سپس بابل را تصرف کردند. مهرداد به عیلام هم لشکر کشید و بخش بزرگی از این ایالت را هم تصرف کرد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳). مهرداد با تصرف تمام ضرابخانه‌های سلوکی در شمال و غرب ایران موقعیت پارتیان را مستحکم کرد. مهرداد در این زمان برای نخستین بار بر سکه هایش از واژه دوستدار یونان استفاده می‌کند بعد از مهرداد اول اشکانیان با شورش سکاهای مواجه شدند و پایه‌های قدرتش لرزید، سکاهای بخش‌های زیادی از ایران را مورد تاخت و تاز قرار دادند. آنها صد دروازه را به آتش کشیدند و دو پادشاه اشکانی فرهاد دوم و

اردوان دوم به دست آنها کشته شدند. یونانیان باختر نیز از شر سکاهای در امان نماندند. سکاهای در سال ۱۳۰ ق.م آی خانوم را به آتش کشیدند. با به قدرت رسیدن مهرداد دوم در سال ۱۲۲ ق.م این حکومت جانی دوباره گرفت (Assar, 2006: 60). مهرداد تهاجم سکاهای را دفع کرد. واژه رهایی‌بخش که بر سکه‌های این پادشاه آمده شاید اشاره‌ای به این موضوع باشد (Selwood, 1980: 67-9). همچنین مهرداد دوم نخستین شاه اشکانی است که برای معرفی خود روی سکه‌ها از واژه رهایی‌بخش استفاده می‌کند (Assar, 2003: 17-22). مهرداد دوم هم بر سکه هایش از واژه دوستدار یونان استفاده می‌کند. کاربرد این واژه بر سکه‌های اشکانی - که از زمان مهرداد اول آغاز شده بود - بی‌وقفه تا زمان اردوان دوم (سوم) ادامه یافت. تنها استثنا سکه‌های فرهاد دوم و عمویش اردوان است که بر روی آنها شاهد استفاده از این لقب نیستیم. آن دسته از سکه‌های فرهاد دوم که ظاهراً در سکه‌خانه شوش ضرب شده دقیقاً از سبک سکه‌های کامناسکیروس، پادشاه ایلمایی تبعیت می‌کند. بر سکه‌های فرهاد دوم این عبارت دیده می‌شود: شاه بزرگ، ارشک، دوستدار برادر. بعد از آنکه فرهاد دوم در جنگ با سکاهای کشته شد، عمویش اردوان به حکومت رسید در زمان او هنوز تهاجم سکاهای دفع نشده بود. عبارت دوستدار یونان بر سکه‌های اردوان نیز دیده نمی‌شود پادشاه اخیر بر سکه هایش از این القاب استفاده کرده است؛ شاه بزرگ، ارشک، دوستدار برادر. در پایان سلطنت مهرداد دوم اوضاع کشور آشفته گردید و جنگ‌های داخلی گریبان حکومت اشکانی را گرفت. از اواخر

۱۳۹۱، ص ۷۹). بالاخره در زمان بلاش اول (۷۹-۵۷م) در پی شکل‌گیری یک رنسانس ایرانی (هرمان، ۱۳۷۳، ص ۵۱) خط یونانی از سکه‌های اشکانی رخت بر بست و خط آرامی (پارتی) جانشین آن شد.

مشخصات سکه‌های اشکانی

در ایران سکه‌های بسیار کمی از شاهان سلوکی به دست آمده است (تصویر ۲). این در حالی است که سلوکیان نزدیک به یک قرن در ایران حکومت کرده‌اند. یقیناً آنان در این مدت جهت انجام دادوستدهای خود به سکه نیاز داشته‌اند. به درستی نمی‌توان دلیل مشخصی را برای این موضوع ارائه داد؛ اما با این حال می‌توان احتمال داد که سلوکیان در دادوستدهای خود سکه‌های اسکندر را مورد استفاده قرار می‌داده‌اند (Khademi Nadooshan, Azizipoor, Saffari, 2009, 51-58) از سکه‌های آندراگوراس ساتراپ باختر نیز در موزه‌های ایران اثری نیست. در روزگار اشکانی سکه علاوه بر اینکه یک وسیله مبادله و دادوستد است یک اعلامیه سیاسی نیز هست. پادشاهان این دوره بر سکه‌های خود از القابی استفاده می‌کنند که نشانه‌ای از اتفاقات عمده سیاسی در روزگار آنهاست. عمده‌ترین سکه‌های اشکانی از جنس نقره و برنز هستند. مقدار اندکی سکه طلا نیز از پادشاهان اشکانی گزارش شده است (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۳۱). سیستم پولی در دوران اشکانی به پیروی از سلوکیان مبتنی بر نظام آتیک بود. واحد وزن در دوره اشکانی درهم است و بیشتر سکه‌های این دوره یک‌درهمی است. درهم پارتی مانند درهم رومی چهار گرم است، سکه‌های چهاردرهمی اشکانی تنها از زمان مهرداد اول ضرب

سلطنت مهرداد دوم تا زمان ارد دوم را عصر تاریک دوره اشکانی می‌دانند. مدارک سکه‌شناسی و کتیبه‌های بین‌النهرینی گواهی می‌دهند که این دوره، دوره‌ای آشفته و پر از جنگ‌های داخلی در تاریخ اشکانی است. جنگ‌های داخلی اشکانیان بعد از این عصر تاریک نیز همچنان ادامه یافت. اکنون یک شاه اشکانی به دست پسران خود کشته می‌شود و پادشاهی دیگر به دست برادر خود به قتل می‌رسد. فرهاد چهارم نیز به دست همسر یونانی‌اش مسموم شد و به قتل رسید. پس از او پسرش فرهاد پنجم به پادشاهی رسید. مادرش موزا نیز شریک سلطنتش بود، اما سلطنت این مادر و پسر دیری نپایید. فرهاد پنجم در شورش‌هایی که علیه او صورت گرفت از پادشاهی برکنار شد و به سوریه گریخت. سپس ونون شاه اشکانی شد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱). او قبل از به قدرت رسیدن به عنوان گروگان در روم به سر می‌برد و تربیت یونانی داشت. ونون تصویر تیرانداز را که با گذشت ایام به صورت نمادی مقدس در آمده بود از پشت سکه‌ها برداشت و به جای آن تصویر نیکه را نقش زد، (Selwood, 1980: 280). حامیان رومی‌اش درباره به سلطنت رسیدن او می‌گفتند «شاهی که برای پارتیان تعیین گردید». این موضوع خشم پارتیان را برانگیخت و آنان اردوان دوم (یارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۳۹۷) را علیه ونون علم کردند. بر سکه‌های اردوان و سکه‌های پس از او دیگر واژه دوستدار یونان استفاده نمی‌شود تقریباً همزمان با این اتفاقات قدرت کوشانیان در نواحی شرق ایران گسترش یافت و آنان توانستند قدرت خود را از سیحون تا گنگا در شمال هندوستان گسترش دهند (خادمی، عزیزی‌پور-

کشف نشده است؛ اما کاربرد نظامهای نگارشی آرامی در اسناد پارتی ما را مطمئن می سازد که زبان آرامی در این ایالات در زمان هخامنشیان مورد استفاده بوده است. پیش از هخامنشان زبان آرامی در امپراطوری آشور و به طور همزمان در مصر استفاده می شده است. گرین فیلد (۱۳۸۵، ص ۶۱۷) معتقد است که زبان آرامی پیش از هخامنشیان به عنوان یک زبان میانجی در روابط بین المللی استفاده می شده است. این موضوع در انتخاب و گسترش این زبان از طرف هخامنشیان بی تاثیر نبود. در دوره اشکانی علاوه بر دولت مرکزی اشکانی برخی ایالت های وابسته به این دولت نیز به ضرب سکه می پرداخته اند. سکه های شاهان محلی فارس به سکه های هخامنشی شبیه هستند. خط به کار رفته روی این سکه ها آرامی است. الیماییان نیز در دوره اشکانی به طور مستقل به ضرب سکه می پرداختند. بر این سکه ها در ابتدا از خط یونانی استفاده می شد اما در آغاز قرن اول م خط آرامی بر سکه های الیمایی آشکار می شود. سکه های شاهان خراسن مستقیماً از سکه های هلنیستی رایج در منطقه گرفته شده بود (پارشاطر، ۱۳۸۴، ص ۴۱۴). سکه نبشته ها یونانی است. روی سکه های ارته بازوس پادشاه خراسن عبارت «رهایی بخشی که پدرش یونانیان را دوست دارد»، دیده می شود. احتمالاً سکه های اشکانی در نظام اقتصادی این ایالت ها (پارس، الیمایی و خراسن) نقشی نداشته اند. بعلاوه در بعضی از شهرهای بین النهرین همچون دورا و پوس که زیر نظر اشکانیان اداره می شده؛ علاوه بر سکه های اشکانی، سکه های شاهان معاصر اشکانیان نیز یافت شده است.

شده اند. مهرداد اول نخستین پادشاه اشکانی است که در سال ۱۴۰ ق.م موفق به فتح سلوکیه و در نتیجه ضرب سکه در ضربخانه این شهر شد. در آن زمان غالب چهاردرهمی ها در این ضربخانه ضرب می شدند. در این دوره قالب سر سکه ها بیضی شکل بوده و تصویر به صورت عمودی بر سکه ضرب می شده است. تصویر شاه در مرکز سکه از مشخصات عمده سکه های اشکانی است (تصاویر ۴). نام شخصی شاهان اشکانی به ندرت بر سکه های آنان دیده می شود، سکه های برنزی تقریباً در تمام ضربخانه های اشکانی ضرب می شدند. و در دادوستدهای محلی در داخل شهرها به کار می رفتند (سرفراز، ۱۳۸۴، ص ۳۶). اشکانیان پس از تسخیر ضربخانه های ماد، سلوکیه و بابل، سال و ماه حکومت خود را به یونانی بر سکه ها نقر می کردند. این اتفاق نخستین بار در زمان مهرداد اول با تاثیر پذیری از سکه های سلوکی رخ داد. این موضوع فهم زمان حکومت آن دسته از شاهان اشکانی که در این برهه زمانی سکه زده اند را ممکن ساخته است. بر پشت چهار درهمی های اشکانی که در ضربخانه سلوکیه ضرب شده اند سال ضرب سکه به خط یونانی نوشته شده است. این سال ها بر اساس تقویم سلوکی بوده اند. بر بعضی از این چهاردرهمی ها نام ماه ضرب سکه نیز آورده شده است. اشکانیان بر سکه های خود از خط یونانی استفاده می کردند. استفاده از این خط بر روی سکه ها همچنان تا زمان بلاش اول ادامه یافت. در زمان بلاش اول همزمان با رنسانس ایرانی، خط یونانی از سکه های اشکانی رخت بر بست و خط آرامی جانشین آن شد. کتیبه های آرامی مربوط به دوره هخامنشی در پارت

نتیجه‌گیری

سکه‌های نقره اشکانی که روی آنها تصویر پادشاه و بر پشت آنها نقش کماندار نشسته دیده می‌شود را می‌توان سکه‌های دولتی اشکانی دانست که به منظور استفاده در تجارت بین‌المللی ضرب می‌شده‌اند. در همان ضربخانه‌هایی که سکه‌های دولتی ضرب می‌شده‌اند، به جز سکه‌های نقره، سکه‌های دیگری نیز ضرب می‌شده است. بر روی این سکه‌ها تصویر پادشاه و بر پشت آنها نقوش بومی دیده می‌شود. این سکه‌ها احتمالاً در مبادلات محلی کاربرد داشته‌اند.

مقایسه نوشته‌های یونانی بر سکه‌های اشکانی، شاهان باختری (تصویر ۳) و نیز سکه‌های سلوکی نشان می‌دهد ضربان سکه‌های اشکانی به تقلید از سلوکیان و باختریان به نقر نوشته‌ها بر سکه‌ها پرداخته‌اند. شاید یکی از دلایل استفاده اشکانیان از خط یونانی روی سکه‌ها، ارتباط تنگاتنگ آنان با یونانیان باختر بوده است. اشکانیان به هر طریق ممکن سعی داشتند دامنه نفوذ خود را در میان یونانیان باختر گسترش دهند. علاوه بر یونانیان، اشکانیان، یونانیان باختر، شاهان خاراسن و الیماییان از خط یونانی بر سکه‌ها استفاده می‌کرده‌اند. این موضوع با حضور فرهنگ هلنی در زمان مورد بررسی ما بی‌ارتباط نیست. می‌توانیم بگوییم در آن زمان زبان یونانی مانند یک زبان بین‌المللی عمل می‌کرده است. بنابراین منطقی بود که سکه‌هایی که برای استفاده در یک تجارت بین‌المللی ضرب می‌شوند، نوشتاری به یونانی داشته باشند. در زمان بلاش‌اول با تثبیت قدرت سیاسی اشکانیان و قدرت گرفتن فتودال‌های اشکانی، خط یونانی از درهم‌های اشکانی رخت بر بست و خط آرامی

جانشین آن شد. می‌دانیم که بلاش‌اول یک رنسانس ایرانی را در جامعه پارتی ایجاد کرد و حذف خط یونانی از سکه‌ها از تبعات آن رنسانس بود. پیش از این گفتیم که خط آرامی در دوره هخامنشی و حتی پیش از آن به عنوان یک خط بین‌المللی مورد توجه بود. با آمدن اسکندر و در پی تلاش او برای یکسان سازی فرهنگی، خط یونانی در یک جغرافیای وسیع بر روی سکه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. اکنون آیا می‌توانیم بگوییم استفاده از خط آرامی بر سکه‌ها نشانه‌ای از قدرت گرفتن دوباره فرهنگ‌های شرقی در مقابل فرهنگ‌های یونانی است؟ قدرتی که پارتیان آن را دوباره به شرق برگردانده بودند.

در ارتباط با استفاده از واژه دوستدار یونان بر سکه‌های اشکانی توجه به چند نکته ضروری است:

۱- واژه دوستدار یونان از زمان مهرداد اول بر سکه‌های اشکانی رایج می‌شود. مهرداد اول نخستین پادشاه اشکانی است که موفق به فتح ماد و گسترش قلمرو اشکانی می‌شود. با گسترش قلمرو اشکانی شهرهای ایالت ماد و برخی از نواحی بین‌النهرین از نظر سیاسی زیر سلطه اشکانیان درمی‌آیند. اما ساکنان یونانی این شهرها همچنان از نظر اقتصادی و فرهنگی قدرتمند هستند. اشکانیان برای جلب حمایت ساکنان این شهرها و جلوگیری از شورش‌های احتمالی آنها از واژه دوستدار یونان بر سکه‌های خود استفاده کرده‌اند.

۲- این واژه بر سکه‌های فرهاد دوم (پسر مهرداد اول) و اردوان دوم (برادر مهرداد

اول) به کار نرفته است. این دو پادشاه در دوران حکومت خود به سختی درگیر تهاجم سکاها بودند و هر دوی آنها نیز به دست این قوم متجاوز کشته شدند. شاید بتوان گفت در آن شرایط بحرانی که بواسطه حمله سکاها برای اشکانیان پدید آمده بود، جلب قلوب ایرانیان بیشتر به کار اشکانیان می آمد تا حمایت شهرهای یونانی که خود نیز از شر سکاها در امان نمانده بودند. اردوان و فرهاد دوم هر دو بر سکه هایشان از القابی استفاده می کنند که بیانگر نسبت آنها با مهرداد اول است. پادشاهی که دورانی پر افتخار را در تاریخ اشکانی رقم زده بود.

۳- در زمان سلطنت مهرداد دوم قدرت اشکانیان به اوج خود رسید؛ اما مهرداد دوم واژه دوستدار یونان را از سکه‌ها حذف نکرد. به یاد داشته باشیم که اگرچه در این زمان از قدرت سلوکیان کاسته شده و مرزهای آنان محدود گشته بود؛ اما هنوز فرهنگ یونانی تا حد زیادی غلبه داشته است. بعلاوه از اواخر سلطنت مهرداد دوم حکومت اشکانی به شدت درگیر جنگ‌های داخلی بود. شاید پادشاهان اشکانی که بر سکه‌هایشان از واژه دوستدار یونان استفاده می کرده‌اند، بیم آن داشته‌اند که یونانیان - که قلمرو آنها اکنون با گسترش مرزهای اشکانی با اشکانیان هم مرز شده بود- به حمایت از رقبای داخلی آنان پردازند.

۴- با به قدرت رسیدن اردوان دوم واژه دوستدار یونان از سکه‌های اشکانی حذف می‌شود. اکنون بعد از گذشت سالیان متمادی از قدرت گرفتن اشکانیان گرایش به سمت فرهنگ ایرانی در جامعه پدیدار شده بود. این گرایش با اتفاقاتی نظیر قتل فرهاد چهارم به دست همسر یونانی‌اش و اعتراض جامعه پارتی به این اقدام و رفتارهای یونانی‌مآب ونن که مدتی در روم به سر برده بود، همراه شد. بزرگان پارتی از اردوان در مقابل ونون حمایت کردند. اردوان بعد از به قدرت رسیدن در پاسخ به کارشکنی‌های رومیان و شاید همراهی با بزرگان اشکانی در اعتراض به رفتارهای یونانی‌مآب ونون، واژه دوستدار یونان را از سکه‌ها حذف کرد. این اقدام از طرف پادشاهان اشکانی بعد از او هم دنبال شد و آنان نیز چنین کردند. بعلاوه باید گفت تقریباً همزمان با اردوان دوم کوشانیان به عنوان یک قدرت مهم در مشرق مطرح می‌شوند. اکنون دیگر رومیان تنها ابر قدرت روزگار خویش نیستند و به این ترتیب واژه دوستدار یونان که از ابتدا در پی پاره‌ای ملاحظات سیاسی بر سکه‌های اشکانی پدیدار شده بود، به دنبال ملاحظات سیاسی دیگری از سکه‌های اشکانی حذف شد.

منابع

- استرابو، ۱۳۸۲، جغرافیای استرابو، سرزمینهای زیر فرمان هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، موقوفات افشار.
- بیوار، آ. د، ه، ۱۳۸۳، «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج سوم، قسمت اول، گرد-آورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر.
- خادمی ندوشن، فرهنگ، عزیزی پور، طاهره. ۱۳۹۱، تاریخ و هنر شرق ایران از زمان هخامنشیان تا ظهور اسلام، تهران، سمیرا.
- خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۰، تاریخ ایران باستان: اشکانیان، تهران، نشر به دید.
- دیاکونوف، م، ۱۳۷۸، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان.
- دبواز، نیلسون. ۱۳۴۲، تاریخ سیاسی پارت، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: کتابخانه ابن سینا
- سایکس، پرسی، ۱۳۸۰، تاریخ ایران، ترجمه سید-فخرالدین محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد اول، تهران: دنیای کتاب.
- سرفراز، علی اکبر. آورزمانی، فریدون، ۱۳۸۴، سکه-های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، نشر فرزانه روز: تهران.
- فرای، ریچارد. ن، ۱۳۷۷، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی فرهنگی.
- قدیانی، عباس. ۱۳۸۴، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلوکیان و اشکانیان، فرهنگ مکتوب. غلامی، کیارش. ۱۳۹۲، سکه‌های اشکانی، تهران: پازینه.
- کالج، مالکوم، ۱۳۸۳، پارتیان، ترجمه مسعود رجب-نیا، تهران، ققنوس.
- گرین فیلد، ج. چ. ۱۳۸۷، "زبان آرامی در امپراطوری هخامنشی"، تاریخ ایران دوره هخامنشیان از مجموعه تاریخ کمبریج، زیر نظر ایلیا گرشوویچ، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۰، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی
- گوتشمیدت، آلفرد، ۱۳۷۹. تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یارشاطر، ۱۳۸۴، تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج سوم، قسمت اول، گرد-آورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر.

- Assar, Golamreza, F, 2000, "Recent Studies in Parthian history:PartI", The Celator, pp6-22.4-
- Assar, Golamreza, F, 2003, "Parthian calendars at Babylon and Seleucia on Tigris", Iran , Volume 41m pp171-179.
- Assar, Golamreza, F, 2006, "A revised Parthian chronology of the period 91-55B.C", Parthica, pp: 55-104.
- Bivar.A.D.H. and Fehervari, 1966, "The walls of Tammisha", Iran Volume IV, PP38-43.
- Gardner,P.1877,The Parthian coinage, London.
- Justin's History of the World extracted from Trogu Pompeius, in *Justin, Cornelius Nepos and Eutropius*, John Selby Watson, tr. (London: George Bell and Sons, 1876), pp. 272-283.
- Khademi Nadooshan, Farhang. Azizipoor,Tahere.
- Saffari,Mohammad Taghi, 2009, "Swleucid Mintage: A pattern for Parthian coinage ",The international journal of humanities ,Volume 16,spring .
- Sellwood, D, 1980, an Introduction to the coinage of Parthian , London



تصاویر ۳) سکه شاهان باختر



تصاویر ۴) سکه‌های اشکانی



تصویر ۱) سکه آندراگوراس



تصاویر ۲) سکه شاهان سلوکیه